

ممنوعیت حکم به خرید مال به عنوان مجازات جایگزین حبس در نظام کیفری ایران

سعید خوافی⁻

چکیده

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جهت تعدیل نظام حقوقی کیفری کشور، اقدام به تقنین نهادهای نوین کیفری، جهت اصلاح مجرمین و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها نمود؛ در این راستا یکی از این نهادها، مجازات جایگزین حبس می‌باشد که این مجازات نیز شقوق متعدد داشته و در مقاله پیش رو موضوع «خدمات عمومی رایگان»، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. آنچه از این بررسی حاصل می‌گردد؛ این است که صدور حکم به مجازات جایگزین حبس تحت عنوان «خرید مال»، جهت نهاد یا سازمان خاص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی با توجه به این که در قانون مجازات، چنین عنوانی پیش‌بینی نشده است، دارای ایراد و اشکال حقوقی و قانونی است و در نظام کیفری تقنینی حال حاضر کشور با توجه به قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط، امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ از آن‌جاکه بررسی این بیع الزامی، واجد اهمیت وافی است؛ این مقاله سعی دارد به این موضوع، به صورت تخصصی پرداخته و اشکالات و ایرادات آن را مطمح نظر قرار دهد.

واژگان کلیدی: قانون، جایگزین حبس، خدمات عمومی رایگان، بیع

مقدمه

حقوق کیفری یکی از نهادهایی است که از گذشته در نظام‌های حقوقی دنیا به عنوان یک ساختار و نظام، جایگاه خاصی نزد عموم و جامعه داشته و در گذر زمان این جایگاه مورد تعدیل، تشدید، تخفیف قرار گرفته است. تدوین حقوق کیفری با این معنا که برای اشخاصی که قواعد و نظامات یک جامعه، عرف و یا فرهنگ خاص تخطی نمایند، مجازات تعیین شود، بسته به فرهنگ و اوضاع و احوال خاص آن جامعه، در طول زمان‌های مختلف، متفاوت بوده و هم اکنون نیز این تفاوت‌ها در دنیای کنونی به وضوح قابل مشاهده است.

در حقوق کشور ما که منبعث از فقه اسلامی است، این تفاوت‌ها در گذر زمان موجود و بعضاً تشدید و تخفیف و تعدیل یافته است؛ خصوصاً این که در حال حاضر که امکان تبادل اطلاعات حقوقی کشورهای مختلف و نظام‌های حقوقی دنیا با یکدیگر میسر گشته، بی تردید تأثیرات آن‌ها در یکدیگر گریزناپذیر است.

در راستای تنظیم هنجارهای اشخاص در جامعه، بیان شده است: «قانون، مجازات‌ها را مشخص می‌کند و انواع آن‌ها را روشن می‌سازد و همچنین نحوه اجرای آن‌ها را اعلام می‌دارد.» (نوربها، ۱۳۷۸: ص ۴۱) نهادهای نوینی که در حقوق کشورهای توسعه یافته پدید آمده، توسط حقوق دانان کشور مورد بررسی و بعضاً وارد حوزه قانون‌گذاری شده است و این نمود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به وضوح نمایان است؛ این نهادها متعدد می‌باشند و بررسی به قسمت خاصی از مجازات جایگزین حبس توجه دارد.

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین حبس است (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ص ۱۱۶) در این خصوص بایستی اذعان نمود، یکی از نهادهای مهمی که مدنظر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نهاد مجازات جایگزین حبس است؛ تردیدی وجود ندارد که آثار سوء اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مجازات حبس سبب تدوین چنین قوانینی است.

اکنون این سوال مطرح می‌گردد با توجه به این که یکی از مجازات‌های جایگزین حبس، خدمات عمومی رایگان است آیا خدمات عمومی رایگان مطلق و نامحدود و در اختیار دادگاه است یا خیر؟ همچنین، میزان حدود و اختیار دادگاه

به چه میزان است؟ البته در این که دادگاه در بعضی موارد اختیار دارد که اقدام به تعیین مجازات جایگزین حبس اقدام نماید، به عنوان یک اصل ایرادی نیست، (با لحاظ مقررات فصل نهم قانون مجازات اسلامی و رای وحدت رویه ۷۴۶ دیوان عالی کشور با توجه به میزان مجازات) ولی در فرض مثال، دادگاه در صورتی که خدمات عمومی رایگان را به عنوان یک مجازات انتخاب نماید، آیا در نوع و حدود و ثغور آن نیز اختیار دارد و اصل این اختیار عمل تا چه میزان است؟ بعضاً مشاهده می‌گردد، در رویه قضایی صدور حکم به مجازات جایگزین حبس تحت عنوان «خرید مال» برای یک شخص یا نهاد خیریه صادر می‌گردد. این که آیا خرید، در حیطه مجازات‌های جایگزین قرار می‌گیرد یا خیر، موضوعی محل تأمل است که در متن مقاله به صورت دقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱. مفهوم مجازات‌های جایگزین حبس

مفاهیم جرم و مجازات مقوله‌ای مرتبط و ملازم یکدیگر در نظام حقوقی کشور هستند. در خصوص مفهوم، تعریف و آثار جرم و مجازات، در کتب و آثار حقوقی، بررسی‌های متعددی صورت پذیرفته است. غالب تمرکز پژوهش حاضر، بررسی وضعیت «مجازات خرید» است؛ فلذا در این قسمت به صورت کلی مجازات جایگزین حبس مورد اشاره قرار می‌گردد.

در ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعیین انواع خدمات عمومی، به موجب آیین نامه‌ای پیش‌بینی شده است؛ فلذا در همین راستا آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی با موضوع تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و موسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۹۳ به تصویب هیئت وزیران رسیده که به تناسب موضوع بدان پرداخته خواهد شد. این آیین‌نامه مصادیق و ضوابط تعیین خدمات عمومی رایگان، نحوه اعمال آن‌ها و نهادهای پذیرنده را مشخص نموده است.

۲. عقد بیع در حقوق

در این مبحث، کلیت موضوعات مورد ارتباط با صدور حکم به خرید مورد بررسی و پس از ارائه عمومیت بحث و تعریف آن، وارد بحث اختصاصی تعیین کیفر

مجازات خرید در مباحث بعدی می‌شویم. حقوق خصوصی اصولاً در مقام تنظیم روابط معاملاتی و اراده طرفین یک قرارداد است و حقوق کیفری نیز به حفظ نظم عمومی جامعه توجه خاصی دارد. در مقام بررسی صدور حکم دادگاه کیفری مبنی بر خرید توسط متهم ناگزیر حقوق کیفری وارد حقوق خصوصی و مواجه با مفهوم عقد و خاصه عقد بیع می‌گردد.

حقوق دانان در این ارتباط بیان داشته‌اند عقد و قرارداد مفهومی معتنا به در علم حقوق می‌باشند که یکی از معاملات مهم حقوقی، عقد بیع می‌باشد (رک به شهیدی، ۱۳۸۶: ۳۶ - کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۴) در فقه و حقوق عقد بیع یک عقد مغایه‌ای بوده و تعهد فروشنده در مقابل تعهد خریدار قرار می‌گیرد و ثمنی که پرداخت می‌گردد در مقابل کالایی است که دریافت می‌گردد؛ «در عقد بیع باید دو طرف تراضی کنند که یکی از دو عوض (عین) مبیع و دیگری ثمن و بهای آن باشد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۸۹) تراضی و توافق اشخاص در معاملات و عقود غالباً دارای مبانی حقوق خصوصی است که ورود آن مبانی در قلمرو کیفری، با توجه به ایجاد وضعیت خاصی که حکم دادگاه کیفری در این موضوع می‌نماید، اثرات متفاوتی با سایر خدمات پیش‌بینی شده در قانون مجازات و مقررات مورد اشاره دارد. عقد بیع، در موضوع مورد بررسی در مقام یک مجازات است؛ مجازاتی که دادگاه آن را در مقام کیفر، تعیین نموده و پس از صدور حکم توسط دادگاه، عقد موصوف، قبل و بعد از انعقاد متضمن آثاری است.

زمانی که عقدی، مبنای مجازات قانونی قرار گرفته است و دادگاه در مقام تعیین مجازات، حکم به انعقاد عقد موصوف داده است و متعاقباً در مقام اعمال و اجرای مجازات، عقد بیعی بایستی منعقد گردد به گونه‌ای که عدم انعقاد بیع، به معنای عدم اجرای مجازات و یا اجرای ناقص آن است موضوع متفاوت و دارای آثاری می‌گردد. زیرا از یک طرف، ما با حکمی که در مقام کیفر رسانی، توسعه مجازات‌های جایگزین حبس و سیاست حبس زدایی را در پیش گرفته و از طرف دیگر با محکومی که در راستای اجرای این سیاست، اقدام به انعقاد بیع می‌نماید مواجهیم.

۳. تحلیل موضوعی مجازات خرید مال به عنوان یک مجازات جایگزین حبس

در رویه قضایی مشاهده می‌گردد، محاکم اقدام به تعیین مجازات جایگزین حبس می‌نمایند که در این آراء، خدمات عمومی رایگان، مورد حکم قرار گرفته است

به گونه‌ای که خدمت عمومی مذکور، در رأی صادره، شامل خرید وسایل و لوازم است. به عنوان نمونه در حکمی که در مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ توسط دادگاه عمومی بخش محمدیار از توابع دادگستری کل استان آذربایجان غربی صادر شده است و مورد توجه رسانه‌های مختلف خبری نیز قرار گرفته است.

«... در خصوص اتهام آقای ... دایر بر تولید، توزیع و ارائه خدمات سردخانه‌ای بدون دریافت پروانه کاربرد سلامت استاندارد ایران، موضوع شکایت اداره کل استاندارد ایران ... بزه انتسابی را محرز و مسلم دانسته و مستنداً به بند یک ماده ۴۰ قانون توسعه و تقویت نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶ حکم به محکومیت متهم به تحمل شش ماه حبس تعزیری صادر و اعلام می‌گردد اما دادگاه با توجه به سن مرتکب و این‌که فاقد سابقه کیفری است و همچنین در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مستنداً به مواد ۶۴ و ۶۷ و ۸۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مفاد رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ ایشان را حائز شرایط برخورداری از مجازات جایگزین حبس دانسته و حکم بر تبدیل مجازات حبس متهم به انجام خدمات عمومی رایگان شامل خرید ده دستگاه بخاری برقی جهت ارائه به زلزله زدگان اخیر شهرستان ... تحت نظارت سازمان هلال احمر شهرستان ... به عنوان نهاد پذیرنده، بخاری برقی‌های مذکور را به مناطق زلزله زده ارسال خواهد نمود و واحد اجرای احکام کیفری مکلف است ترتیبات اجرای آن را با همکاری نهاد پذیرنده فراهم آورده و بر اجرای آن نظارت نموده و مستندسازی از آن انجام و ضمیمه پرونده نمایند و در صورت تخلف محکوم‌علیه از انجام مجازات جایگزین، برای بار نخست به میزان یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم اضافه و در صورت تکرار مجازات حبس، اجرا خواهد گردید؛ رأی صادره حضوری بوده و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی نزد محاکم محترم تجدیدنظر استان آذربایجان غربی است.»

در خصوص مفاد حکم صادره، در بدو ورود به بررسی تخصصی موضوع، بایستی تأکید نمود، حکم مزبور حکمی اخلاقی و مورد پسند است ولی ایرادات وارده از حیث حقوقی موضوع و منحصر به مصداق خاصی از احکام صادره نبوده و در نتیجه هر حکمی که شامل مجازات به خرید باشد، شامل نتایج بحث می‌گردد.

پس از بررسی مسائل حقوقی و قانونی، بایستی بیان داشت که حکم صادره مبنی بر خرید، با دستورالعمل‌های مرتبط مجازات‌های جایگزین حبس، مخالف

بوده که دلایل آن به شرح ذیل است:

مجازات جایگزین حبس، به صورت حصری در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و دادگاه نمی‌تواند از حصر پیش‌بینی شده خارج شود، هر چند در حکم یاد شده، دادگاه در حوزه خدمات عمومی رایگان وارد شده ولی آن‌چه در نهایت مورد حکم قرار گرفته است، مدلی از جزای نقدی تبدیل یافته به معامله است که در حقوق کیفری ایران چنین مجازاتی به عنوان مجازات جایگزین حبس پیش‌بینی نشده است.

حال این که دادگاه محترم صادرکننده حکم، قید جایگزین حبس را در ذیل انجام خدمات عمومی رایگان قرار داده است؛ باید دید که آیا حکم به خرید نوعی خدمات عمومی رایگان است یا خیر و این که اساساً در خدمات عمومی رایگان چیزی تحت عنوان خرید وسایل وجود دارد یا خیر؟

بند ب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی با موضوع تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم مصوب ۵ شهریور ۱۳۹۳ هیئت وزیران در تعریف خدمات عمومی رایگان بیان داشته است:

«خدمات عمومی رایگان: خدمت عام‌المنفعه‌ای که با رضایت محکوم برای مدت معین و به طور رایگان به موجب حکم دادگاه و وفق ماده (۸۴) قانون به شرح مندرج در این آیین‌نامه، در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد.» در همین راستا ماده ۲ آیین‌نامه مذکور به صورت جزئی و دقیق‌تر به بیان مصادیق خدمات عمومی رایگان پرداخته است.

۴. دلایل ممنوعیت صدور حکم به مجازات خرید مال

در مبحث قبل، با ورود تحلیلی به موضوع حکم به مجازات خرید مال به عنوان مجازات جایگزین حبس، مقررات تخصصی مرتبط با مجازات مذکور مورد بررسی قرار گرفت و در این قسمت دلایل عدم امکان صدور حکم به چنین مجازاتی به شرح ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد.

مصادیق خدمات عمومی رایگان در قانون و دستورالعمل مربوطه پیش‌بینی شده است و در قانون و تصویب‌نامه هیئت وزیران، موضوعی به عنوان خرید در

خدمات عمومی به عنوان مجازات جایگزین حبس وجود ندارد. تبدیل خدمات عمومی رایگان به مجازات جایگزین دیگر، به موجب تبصره چهار ماده ۸۴ پیش-بینی شده است و این تبدیل نیز می‌تواند صرفاً به مجازات جایگزین دیگر باشد. این در حالیست که در صدور حکم به خرید، شخص به جزای نقدی به صورتی محکوم می‌گردد که شاخص و واحد ریالی خاصی ندارد تا بتوان جزای نقدی آن را مورد سنجش قرار داد. چنین حکمی، ممکن است محکوم، دادگاه و دادسرا را با مسائل و چالش‌های حقوقی مختلف، در حوزه حقوق خصوصی وارد نماید. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی در نظریه شماره ۷/۹۹/۱۳۰۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۵ که با موضوع یاد شده مشابَهت دارد، به شرح ذیل اعلام نظر نموده است:

«با توجه به مفاد ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی آیا امکان صدور حکم به پرداخت وجه نقد خرید گوشی تلفن همراه یا تبلت برای افراد و خانواده های بی‌بضاعت تحت پوشش نهادهای حمایتی در قالب خدمات عمومی موضوع آیین‌نامه ماده ۷۹ قانون مرقوم وجود دارد؟ اصولاً مقصود از خدمات عمومی رایگان؛ انجام کارهای فکری و بدنی توسط محکوم‌علیه است و این نوع خدمات باید با مباشرت شخص محکوم‌علیه اجرا شود و ... چون پرداخت هزینه خرید گوشی تلفن همراه یا تبلت به افراد یا خانواده‌های بی‌بضاعت یا پرداخت کمک نقدی به ایشان از مصادیق خدمات عمومی رایگان خارج است، لذا با توجه به ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صدور چنین احکامی قانوناً جایز نیست». فلذا وقتی الزام به پرداخت نقدی قانوناً جایز نیست، به طریق اولی الزام به خرید نیز جایز نیست و خلاف قانون است.

دادگاه‌ها در فرضی که قصد داشته باشند، از ظرفیت شخص محکوم در کمک‌رسانی به مصدومین و خسارت‌دیدگان استفاده نمایند، به طرق پیش‌بینی شده در قانون، می‌توان از آن خدمات استفاده نمود به طور مثال، محکوم، اقدام به کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان در نهاد پذیرنده با استفاده از خدمات خویش نماید و همان‌گونه که ذکر شد، خرید، موضوعی متفاوت از خدمت است.

همچنین در قوانین و مقررات مالی و محاسباتی کشور، هرگونه دریافت و پرداخت وجه، بایستی تحت ضوابط و مقررات خاص صورت پذیرد. پرداخت جزای نقدی که به حساب دولت واریز و وصول می‌گردد، محل صرف و دخل مشخصی

دارد که قانون محل آن را تعیین نموده است. خدمات عمومی رایگان، اصولاً خدماتی است که توسط شخص محکوم انجام می‌شود و در حالت عادی این خدمات، دارای مزد و اجرت است. ولی قانون‌گذار با توجه به مصلحت قانونی، بهینه‌سازی تخصص اشخاص، استفاده سازمان‌ها و در نتیجه عموم مردم از خدمات یاد شده و ... آن‌ها را با توجه به ماهیت مجازات داشتن، بدون اجرت و رایگان دانسته است. با طرح مسائل و چالش‌های حقوقی و اثرات ناشی از صدور حکم و بیع صورت پذیرفته، مستند به قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه‌های مورد اشاره، به نظر می‌رسد صدور حکم یاد شده بر خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است.



نتیجه گیری

مباحث این بررسی، متضمن این نتیجه است که صدور حکم به خرید وسیله، توسط دادگاه علیه محکومین، اقدامی است که در قانون مبنایی برای آن پیش‌بینی نشده است و صدور حکم به مجازات جایگزین حبس مبنی بر انجام خدمات عمومی رایگان، شامل خرید نیست. قانون مجازات اسلامی و مقررات هیئت وزیران در راستای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین موضوعاتی را پیش‌بینی ننموده است و خدمات عمومی رایگان، میزان ساعت آن‌ها، نوع و مصادیق آن‌ها را ضابطه‌مند و تحت قواعد و مقررات خاصی، مشخص نموده است و «خرید» در هیچ یک از مصادیق یاد شده قانونی مورد بحث، مشاهده نمی‌گردد و به طور کلی تأسیسی تحت عنوان الزام به بیع با توجه به این‌که هر خریدی مستلزم عقد بیع است، در قوانین جزایی حال حاضر ایران وجود ندارد.

رایگان بودن خدمات عمومی با صدور حکم به خرید، که اساساً با پرداخت پول صورت می‌پذیرد منافات دارد؛ ضابطه و قاعده‌ای نیز در تعیین ثمن و مثن در قانون وجود ندارد؛ زیرا وقتی مثن یا مبیع را دادگاه تعیین نماید، با لحاظ تعداد مورد معامله، هزینه بار شده به محکوم، افزایش یا کاهش پیدا می‌نماید؛ این در حالی است که با قاعده تعیین حداقل و حداکثر مجازات تعارض پیدا می‌کند. عرف نیز در تعیین ثمن در مناطق مختلف و یا بعضاً یک حوزه قضایی متفاوت است.

بیع مورد مجازات، نمونه‌ای از تلاقی حقوق کیفری و خصوصی است. کیفر بودن این موضوع نباید سبب عدول از قواعد و مقررات شرعی، حقوقی، عرفی و قانونی بیع باشد و به دیگر سخن با توجه به الزام از ناحیه دادگاه، نباید آن را بیعی تشریفاتی و فارغ از ماهیت و مبانی و اصول حقوقی دانست. پیشنهاد می‌گردد در چنین مواردی، دادگاه‌ها در راستای امداد و کمک‌رسانی، استفاده از خدمات عمومی رایگان در نهادهای پذیرنده را به طریق پیش‌بینی ساعت انجام خدمت رایگان در مناطق یاد شده، مدنظر و مورد حکم قرار دهند.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان
- توسلی، قاسمعلی، فرحبخش، مجتبی (۱۴۰۱)، **چالش‌های فراروی خدمات عام-المنفعه به عنوان مجازات جایگزین حبس**، با تأکید بر رویه قضایی، **ماهنامه علمی جامعه شناسی ایران**، سال پنجم، شماره ۱۱
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، **قانون مدنی در نظم کنونی حقوقی**، چاپ چهل و پنج، تهران: نشر میزان
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲) **دوره حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها**، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶)، **حقوق مدنی، تشکیل قراردادها و تعهدات**، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، چاپ پنجم، انتشارات مجد
- نوربها، رضا (۱۳۷۸)، **زمینه حقوق جزای عمومی**، چاپ بیست و یکم، کتابخانه گنج دانش